رحیم عفیفی

سرنوشت روانهای نیکوکار و بدکار

از سرنوشت روانها پس‌از مرگ در نوشته‌های دینیِ ایران‌باستان سخن بسیار رفته و چنین دانسته میشود که‌جایگاه هریك‌ازآنان درجهانِ دیگر روشن و مشخص‌است.

ارداویراف پرهیزگار در بازدیدی که از بهشت و دوزخ میکند، روانهای گوناگونی را می‌بیند که بسته بکارهای نیك یا بدی که دراینجهان کرده‌اند، در آنجهان پاداش و پادافراه خودرا دریافت میدارند. درتقسیم بندی طبقاتِ بهشت چهار طبقه بچشم میخورد، که روانهای نیکوکار به فراخورِ کار نیکی که انجام داده‌اند در یکی ازین طبقات جایگزین میشوند ودر رده‌بندیِ طبقاتِ دوزخ نیز چهار رده وجود دارد که روانهای بدکار بسته بکارهای زشتی که ازآنها سرزده دراین رده‌ها قرار میگیرند.

در متن زیر، زردشت از اورمزد، از سرنوشتِ روانها درجهان‌دیگر پرسش میکند و اورمزد شمه‌ای دربارهٔ جایگاه آنها و پذیرائی که تاهنگامِ تن‌پسین ازآنان بعمل میآید سخن میراند. این متن از کتاب روایات‌پهلوی یا داتستان دینی که بزبان پهلوی و خط آم‌دبیره‌است و ارواد بامانجی ناسروانجی دهابهار آنرا با چند نسخه مقابله نموده ودرسال ۱۹۱۳میلادی بچاپ رسانیده گرفته شده و اینك نگارنده آنرا بفارسی برگردانیده‌است واژه‌هایی که نیازبشرح داشته در زیرنویس شرح آنها آمده و نیزواژهایی که در [ ] آمده برای روشن‌شدنِ مطلب افزوده شده‌است.

* * *

۱ــ زردشت گفت که دادار هروسپ[۱] آگاهی و همه‌چیز دان [چون] اهروبان[۲] ازگیتی درگذرند روان ایشان بکجا رسد .

۲ــ اورمزد گفت که سه‌شب[۳] آنجا که چون جان بشود ، برسرش ایستد ، [روان] اهروبان آنجا نشینند . بستر سپید دارد . این سان گوید: که نیکم چون من کاروکرفه[۴] کرده‌ام ، اورمزدرا خویشم بکامه[۵] خود، [پس] نیکی باو کنند .

۳ــ اورا شب اول آن اندازه نیکی بنمایند همچون مردی کــه زنده بُــود و اورا اندر جهان نیکتر بود .

۴ــ شب دوم و سوم نیز اورا همچنان بُــود .

۵ــ شب سوم نیز چنان بنظر رسد[۶] که گیاهی همچون همه گیاه که اندرگیتی خوب‌بوی‌تراست بآنجا آورده‌اند ، و انــدرآن سپرم خوشبوی [روان] نشینند، گوید که این‌بوئی که چنین خوشبو وچنین خوش[است‌و] باد به‌بینی من آورد هرگز به‌گیتی خوشبوتر ازین من ندیده‌ام[۷] .

۶ــ اورمزد گوید* که آن باد و بوی از بهشت آید .

۷ــ چون روان اندرآن باد بنگرد کنیزکی بیند که همه‌تن و رفتاراو

۱ــ هروسپ : همه ۲ــ اهروبان : پاکان ، نیکوکاران ، مقدسین .

۳ــ مقصود سه‌شب اول پس‌از مرگست که در اصطلاح مزدیسنی «ستوش» گفته میشود.

۴ــ کرفه : کار نیك ، ثواب ۵ــ کامه : میل ، خواست .

۶ــ واژه‌ای که درمتن آمده سهیت ازمصدر سهستن، بمعنی بنظررسیدن، قابل توجه بودن... میباشد .

۷ــ نك : ارداویرافنامه یا بهشت و دوزخ در آئین مزدیسنی از نگارنده ص ۲۸ .

* ــ درمتن بصورت «گفت» آمده .

روشن و بایسته‌تر و بدن او چنان زیبا که هرگز از دام اورمزد تنی زیباتر از او [نه]دیده[است] .

۸ــ ازاو پرسید که : کنیز خود که‌هستی ؟

۹ــ کنیز گوید که جوان نیك‌اندیش نیك‌گفتار نیك‌کردار من خــود کنشِ توام .

۱۰ــ و روان گوید که ازکردِ[۸] چه‌کسی تو چنین مه و نیك وپیروزگر وزیبا و بیرنج چنین بنظرمیرسی.

۱۱ــ کنیزك گوید که از کرد تو من چنین‌هستم همچنانکه تو بنظــر رسیدی .

۱۲ــ تو اگر کسی‌را دیدی که دیوپرستی کرد و کامه دوستان نگزید ودربست و چیز نه‌بخشید تونشستی و یزش* [یزدان]کردی و مرد اهروب را چیز دادی که از نزدیك یا ازدور آمد ، چون من زیبــا بودم تو زیباترم کردی ، بایسته بودم ، تو بایسته‌ترم کردی ، به‌کار وکرفه‌ای که تو کردی تا تن‌پسین مردمان اندرگیتی یزش اورمزد کنند و من امروز زیباتر باشم .

۱۳ــ روان ، نخست گام فرازنهاد آن‌جای که ستاره به‌اندیشه‌نیك نهاد[۹] گامِ دوم آنجای که ماه به‌گفتار نیك نهاد گام سوم آنجای که‌خورشید به‌کردار نیك نهاد . و چهارم‌گام اندر گرزمان[۱۰] روشن بنهاد .

۱۴ــ و روان اهروبان که از گیتی بشده‌اند اندر گــرزمانند و اورا [یا] بوی خوش به‌پذیره آیند وگویند که درست آمــدی و خوش‌آمدی از

۸ــ کَرد : عمل ، کار . * ــ یزش : ستایش ، عبادت

۹ــ نك: ارداویرافنامه یا بهشت و دوزخ در آئین مزدیسنی از نگارنده ص ۳۲ و ۳۳ .

۱۰ــ گرزمان : خانه فر ایزدی ، طبقهٔ چهارم بهشت .

گیتی اناکمند[۱۱] پتیاره‌مند باینجای بی اناکی بی‌پتیاره و درنگ و زمان تو خوب باشد .

۱۵ــ اورمزد گوید که ازاو سخن مپرسید چون مهر و دشارم[۱۲] تن دارد و از تن بیآید و برای او دشواربُـود ، اورا خورش دهید .

۱۶ــ روان گوید که خورش، نخست‌کدام دهم .

۱۷ــ اورمزد گوید که پیم[۱۳] اسب ومزگ[۱۴]، روغن و می شیرین و یا روغن میتوك زرم‌کرده‌است[۱۵]، دهید نخست [اورا] دهید روغن میتوك زرم، چه روان اهروبان چون ازگیتی بشوند ایشان را تا تن‌پسین خـورش این‌هست .

۱۸ــ زردشت این نیز پرسید از اورمزد که چون آن دروند[۱۶] بمیرد روان بکجا دوارد[۱۷] .

۱۹ــ اورمزد گفت که سه‌روز شبان آنجای که جان بشد سردست نشنیدوبستر[او]گرده و پوده[۱۸] [و]به‌گندآلوده‌است واونهفته بـودواین‌نیز گوید : که من بدبودم، کار و کرفه نه‌کردم اهرمن[را] خویشم و به‌کـدام زمین شوم و که‌خواهم و که این اناکی ازمن بازدارد .

۲۰ــ باو شب نخست آن اندازه اناکی بنمایند ، همچون مـردی‌که

۱۱ــ اناکمند : با رنج و درد،پتیاره‌مند : با آفت و پلیدی .

۱۲ــ دشارم : علاقه ، محبت ، عشق ۱۳ــ پیم : چربی ، پیـه .

۱۴ــ مزگ : مغز .

۱۵ــ میتوك رزم کرده‌است : روغن‌هائی که در بهار درست شده. در هادخت نسك آمده «روغن زرمیه خورش جوانمرد نیك پس از مرگست . »

۱۶ــ دُروَند : بدکار .

۱۷ــ دوارد یا دوبارد ازمصدر دواریدن یا دوباریدن : رفتن دویدن ، برای موجودات اهریمنی .

۱۸ــ پوده : پوسیده .

تا زنده بود درجهان بدتر باشد .

۲۱ــ وشب دوم و سوم نیز اورا همچنان باشد .

۲۲ــ شب سوم نیز گیاه چنان بنظر رسد همچون که انــدر تگرگ و گند[است و] بجهان بآنجای آورده وقرار داده‌اند چون آن گند به‌بینی‌اش پتکفت[۱۹] گوید که باد باین‌گندی وچنان شگفت ازکجا آید که من هرگــز به‌گیتی گند همچون این به‌بینی نه‌پتکفت .

۲۳ــ وآن باد گند ازدوزخ[است] وآهرمن چون نگرید، اندرآن باد از کنش خویش دید . و هرگــز از خستران[۲۰] و دامــانِ اهرمن زشت‌تر وریمن‌تر ازان ندید .

۲٤ــ پرسید که تو خود که‌هستی ؟

۲۵ــ وکنش گوید جوان بداندیش، بدگفتار ، بدکــردار (من) دین ، کنش توام .

۲٦ــ و دروند گوید که از کَردِ تو چنین بــد ، بزهگین ، ریمن ، و گنده و پوده و ناپیروزگــر وبارنجم، همچون که من بنظر میرسم .

۲۷ــ کنش گوید کــه از کردهٔ تو چنین هستم همچون که تو بنظــر میرسی• چون تو اورا دیدی که یزش[۲۱] کرد وبمرد اهروب چیز دادی تو کَدر به‌بستی و دوستان آزردی و چیز ندادی و بدبودم تو بدترم بکردی ، زشت بودم تو زشت‌ترم بکردی. به‌گناه که توکردی و تاتن‌پسین که اهریمن نابودْ شود و بدوزخ دوبارد ترا روز از روزبد تر باشد .

۲۸ــ و دروند گوید که چون مرا سربه‌بُرند یا مرا به‌تیر بدرند [یا] بکشند یامرا ... بکنند یا مرا با کارد ببُرند مرا خوب بنظر رسد چون کــه

۱۹ــ پتکفت : ازمصدر پتکفتن بمعنی فرودآمدن .

۲۰ــ خستران : جانوران گزنده ۲۱ــ یزش : عبادت ، ستایش .

این راه که از دزد[ی] بگزیده‌است هم به‌دوزخ بایدشدن و کامه‌مندانه[۲۲] نشود .

۲۹ــ اورا یزش‌دیو[۲۳] ، بند به‌گردن افکند و کنش ، خود سهمگینانه پیش‌ایستد و [از] بیم کنش خود پیش یزش دیو چنین گوید کــه همچون اسب تاخت است اندر اسپریس[۲۴] که از بیم تازانه دوان شود ، آن نیز بدوزخ چنان دوان شود .

۳۰ــ رَوِش ، نخست گام بنهاد به‌اندیشه بد، دوم گام به‌نهاد بــه گفتار بد و سوم گام به‌نهاد به‌کردار بد و چهارم گام بدوزخ تاریکی به‌نهاد.

۳۱ــ و دُروَندی که پیش از او ازگیتی دوباریده[۱۷] است اورا بــا گندی به‌پذیره دوبارد .

۳۲ــ و اورا گوید که تو بد بودی و بدآمدی ازآن گیتی اناکمنــد ، مرگمند باینجای آمدی که تورا آن اناکی اندراین اناکی خوار بود . *

۳۳ــ اهریمن دراید[۲۵] که دُروَند به‌گریسنك[۲۶] من چرا آمدی چون اینجا جز درد و دشخواری و اناکی که ترا بآن کنند، دیگر چیزی نیست و ترا همه اناکی چنین‌است .

۳۴ــ به‌روان دُروَندان گویند که پرسش از او مکنید واورا خورش ارزانی[۲۷] دهید .

۲۲ــ کامه‌مندانه : مطابق دلخواه ومیل .

۲۳ــ یزش دیو صورت دیگر واژه و یزارش دیواست و آن نام دیوی‌است کــه پس از مرگ با روان مخالفت میکند و اورا بدوزخ میکشاند .

۲۴ــ اسپریس : میدان .

* مقصود اینست‌که رنج و درد آن دنیا درمقابل دردورنج این دنیا هیچ‌است .

۲۵ــ درآید : از مصدر درانیدن بمعنی گفتن برای موجودات اهریمنی .

۲۶ــ گریسنك : لانه ، سوراخ (اهریمنی) . ۲۷ــ ارزانی : درخور ، شایسته .

۳۵– و دروغ‌زنان گویند بهتر است که اورا گنبدی دهیم که تازه رید[۱۶] است [ویا] تن گنبدی اورا دهیم که تازه نمریده‌است ؟

۳۶– امریس گوید که اورا گنبد تازه دهید چه دروغ‌زنان را تا توپسین خورش این[است] .

متن پطروکی

(1) کلماتهما[۱۸] پدرها[۱۷] سمع[۱۶] وعلیه سلطوا[۱۵] سوسی-

(15) MR1, J اضطروا . (16) BK

om. (17) Thus J ; BK اضطروا ; MR1 اضطروا . (18) MR1, J اضاعوا : better read توضعوا with the following وا . (19) MR1, J سوسی . (20) MR1, J اضاعوا . (21) MR1 اضاعوا .

کلک نویسد، نمی‌داند، بخواند و بفهمد. بنابراین نسخه‌ها که بعد از او نوشته شده، همه پر از غلط است. (3) [1]نسخه‌ای که از روی نسخه‌ی [2]مغلوط نوشته شده، [3]مغلوط‌تر است. (4) [4]نسخه‌ای که از روی نسخه‌ی [5]مغلوط نوشته شده، [6]مغلوط‌ترین نسخه‌ها است. (5) [7]نسخه‌ای که از روی نسخه‌ی [8]صحیح نوشته شده، [9]صحیح‌ترین نسخه‌ها است. (6) [10]نسخه‌ای که از روی نسخه‌ی [11]صحیح نوشته شده، [12]صحیح‌ترین نسخه‌ها است. (7) [13]نسخه‌ای که از روی نسخه‌ی [14]مغلوط نوشته شده، [15]مغلوط‌ترین نسخه‌ها است.

---

(1) BK repeate the last 11 words. (2) MR_1, J add ۱۰. (3) MR_1 adds ۱۰ the margin. (5) MR_1, J ابتدا. (6) BK repeate. (7) MR_1, J نسخه‌ای. (8) MR_1, J om. (9) MR_1, J اضافه. (10) MR_1, J ـه. (11) MR_1 ـهٔ for the last 2 words. (12) Thus MR_1, J ; BK نسخه‌ای. (13) MR_1, J نادرست. (14) MR_1, J نادرست. (15) MR_1 ـه. (16) MR_1, J ـات. (17) MR_1, J را.

پیشنهاد کرده سوالهای که وقتی ۱ یک سیگنال دارای کرده[۲] پاسخ‌دهی سیستم‌های مورد بررسی قرار می‌گیرد، [۳]ورودی سیستم را می‌توان به صورت مجموعه‌ای (8) از سیگنال‌های ساده، مانند [۵]توابع ضربه، [۶]تجزیه کرد و [۷]پاسخ سیستم به هر یک از این سیگنال‌های ساده را [۸]محاسبه کرد. سپس با [۹]جمع کردن این پاسخ‌ها می‌توان [۱۰]پاسخ سیستم به سیگنال اصلی را بدست آورد. این روش [۱۱]تجزیه و تحلیل سیستم‌های خطی نامیده می‌شود. [۱۲]اهمیت این روش از آن جهت است که [۱۳]بسیاری از سیگنال‌های مورد بررسی را می‌توان [۱۴]به صورت مجموع تعداد محدودی از سیگنال‌های ساده [۱۵]نوشت. [۱۶]تحلیل سیستم‌های خطی با استفاده از این روش [۱۷]بسیار ساده می‌شود. [۱۸]در این روش [۱۹]به جای محاسبه پاسخ سیستم به یک سیگنال پیچیده، پاسخ سیستم به سیگنال‌های ساده محاسبه می‌شود و سپس [۲۰]با جمع کردن این پاسخ‌ها پاسخ سیستم به سیگنال اصلی بدست می‌آید.

---

(1) MR$_1$, J om. (2) MR$_1$, J ۵۶ . (3) MR$_1$, J ۶۹۲ . (4) BK adds ۱۱۶ .
(5) MR$_1$ ۱۸۵۰ ۱۱۶. (6) MR$_1$, J ۱۹۱۶ . (7) Thus J ; BK, MR$_1$ ۴۰ .
(8) MR$_1$, J add ۳ . (9) BK om. (10) Thus all, for ۴ . (11) MR$_1$ omits § 11.
It is written in J on the margin. (12) MR$_1$, J prefix ۴۴ . (13) MR$_1$, J ۲۰۰۰

(1) MR$_1$, J add ۷ . (2) MR$_1$, J om. (3) MR$_1$, J اهرت . (4) Thus MR BK, J اهرت . (5) MR$_1$ ← for ۲. (6) All add راه . (7) MR$_1$, J add (8) MR$_1$, J اهرت. (9) MR$_1$ adds ۷. (10) Thus MR$_1$, J ; BK اهرت . (11) Th MR$_1$, J ; BK ←ورت. (12) MR$_1$, J add ←ا . (13) MR$_1$, J اهاوه . (14) MR J ← . (15) Thus MR$_1$, J; BK ااهرت .

(15) بەڵام ئەم ڕاستییە ڕوونە کە ئەو کەسەی لە ژیانیدا چاکەکار بووە و ئەوانی تر بەختیار کردووە، لە دوای مردنیشی ناوی چاکەکار دەمێنێتەوە و بەردەوام لەسەر زمانی خەڵکی دەبێت بە ستایش و پیاهەڵدان و دوعای خێر بۆ گیانی. (16) ئەمەش ئەو ڕاستییە دەسەلمێنێت کە ئەو کەسەی لە ژیانیدا خراپەکار بووە و خەڵکی ئازاری داوە، لە دوای مردنیشی ناوی خراپەکار دەمێنێتەوە و بەردەوام لەسەر زمانی خەڵکی دەبێت بە جنێو و نەفرەت و دوعای شەڕ بۆ گیانی. (17)

∴ ئەوەتا بینیمان کە ئەو کەسەی لە ژیانیدا چاکەکار بووە و خەڵکی ئازاری نەداوە، لە دوای مردنیشی ناوی چاکەکار دەمێنێتەوە و بەردەوام لەسەر زمانی خەڵکی دەبێت بە ستایش و پیاهەڵدان و دوعای خێر بۆ گیانی. (13)

∴ ئەوەتا بینیمان کە ئەو کەسەی لە ژیانیدا چاکەکار بووە و خەڵکی ئازاری نەداوە، لە دوای مردنیشی ناوی چاکەکار دەمێنێتەوە و بەردەوام لەسەر زمانی خەڵکی دەبێت بە ستایش و پیاهەڵدان و دوعای خێر بۆ گیانی. (14) ئەمەش ئەو ڕاستییە دەسەلمێنێت کە ئەو کەسەی لە ژیانیدا خراپەکار بووە و ئازاری داوە، لە دوای مردنیشی ناوی خراپەکار دەمێنێتەوە و بەردەوام لەسەر زمانی خەڵکی دەبێت بە جنێو و نەفرەت و دوعای شەڕ بۆ گیانی. (15)

(17) بنابراین $\hat{\delta}_1$ برآورد نااریب و سازگار δ است. ثابت کنید برآورد $\hat{\delta}_2$ نیز برآورد نااریب و سازگار δ است، ولی برآورد کارآتری از $\hat{\delta}_1$ نیست.

(18) فرض کنید $X_1, X_2, \ldots, X_n$ یک نمونه تصادفی از توزیع $N(\mu, \sigma^2)$ باشد. ثابت کنید $\frac{1}{n}\sum_{i=1}^{n}(X_i - \mu)^2$ برآورد سازگار σ^2 است.

(19) فرض کنید $X_1, X_2, \ldots, X_n$ یک نمونه تصادفی از توزیع با تابع چگالی زیر باشد:

$$f(x;\theta) = \begin{cases} \theta x^{\theta-1} & 0 < x < 1 \\ 0 & \text{جاهای دیگر} \end{cases}$$

که در آن $\theta > 0$ است. نشان دهید $-\frac{1}{n}\sum_{i=1}^{n}\ln X_i$ برآورد کارآ برای $\frac{1}{\theta}$ است.

(20) فرض کنید $X_1, X_2, \ldots, X_n$ یک نمونه تصادفی از توزیع با تابع چگالی زیر باشد:

$$f(x;\theta) = \begin{cases} \frac{1}{\theta} & 0 < x < \theta \\ 0 & \text{جاهای دیگر} \end{cases}$$

که در آن $\theta > 0$ است. نشان دهید $\max(X_1, X_2, \ldots, X_n)$ برآورد سازگار θ است.

---

(1) MR_1, J om. (2) Huz. Syn. of مرگ (P. ژن ر ر). (3) Thus MR_1, J; BK ندارد. (4) MR_1, J ; for ب . (5) MR_1, J ثبت‌شده . (6) BK اضافه‌کن، . (7) MR_1, J add ب . (8) MR_1, J اضافه‌کن . (9) MR_1, J et and add ا. (10) Thus MR_1, J ; BK ابعاد . (11) Thus MR_1, J ; BK اضافه . (12) MR_1, J ندارد . (13) BK om. (14) BK ۴ .

ژاله‌ی بیچاره از شدت غم و اندوه بیمار شد و چند روز در بستر بیماری افتاد. (26) وقتی حالش کمی بهتر شد، دوباره به دیدن دوستش رفت. اما دید که خانه‌ی او خالی است و همسایه‌ها گفتند که او و خانواده‌اش به شهر دیگری رفته‌اند. ژاله خیلی ناراحت شد و گریه کرد. او نمی‌دانست که چرا دوستش بدون خداحافظی رفته است. او فکر می‌کرد که شاید دوستش از او ناراحت است و به همین دلیل رفته است. ژاله خیلی غمگین شد و به خانه برگشت. او تمام روز در اتاقش نشست و فکر کرد که چه کار اشتباهی انجام داده است. او فکر می‌کرد که شاید دوستش به او دروغ گفته است. او فکر می‌کرد که شاید دوستش او را دوست ندارد. او فکر می‌کرد که شاید دوستش او را فراموش کرده است. او فکر می‌کرد که شاید دوستش او را دیگر نمی‌بیند. (27) ژاله خیلی ناراحت بود و نمی‌دانست چه کار کند. او تصمیم گرفت که به دوستش نامه بنویسد و از او بخواهد که به او بگوید که چرا رفته است. او نامه را نوشت و آن را به آدرس دوستش فرستاد. او منتظر ماند و منتظر ماند و منتظر ماند. او هر روز به صندوق پست می‌رفت و نگاه می‌کرد که آیا نامه‌ای از دوستش آمده است یا نه. او هر روز ناامید می‌شد و به خانه برمی‌گشت. او فکر می‌کرد که دوستش او را فراموش کرده است. او فکر می‌کرد که دوستش او را دیگر دوست ندارد. او فکر می‌کرد که دوستش او را دیگر نمی‌بیند. (28) ژاله خیلی غمگین بود و نمی‌دانست چه کار کند. او تصمیم گرفت که به دیدن دوستش برود و از او بخواهد که به او بگوید که چرا رفته است

(27) شاعرانه بودن کلام، بیشتر به خاطر وجود صنایع لفظی و معنوی است که در آن به کار رفته است. در این بیت، شاعر با استفاده از واژه‌های متضاد «شب» و «روز» و «تاریک» و «روشن»، تضاد میان ناامیدی و امید را به تصویر کشیده است. همچنین، با استفاده از واژه‌های «دل» و «جان»، احساسات عمیق خود را بیان کرده است. این بیت نمونه‌ای از سبک خراسانی است که در آن شاعر با استفاده از صنایع ادبی و زبان ساده، احساسات خود را به خواننده منتقل می‌کند. (28) بنابراین، می‌توان گفت که این بیت از نظر ساختار و محتوا، نمونه‌ای از شعر خراسانی است.

---

(1) Thus MR1, J; BK omits. (2) MR1, J clarifies. (3) MR1, J adds ک. (4) BK om. (5) MR1, J add ک. (6) Thus last 4 words are omitted in MR1; J adds these words on the margin. (7) MR1 ا om. (8) MR1 ا for ا. (9) MR1 ا for ا. (10) Thus all, for ا. (11) MR1 ا for ا. (12) MR1, J ا. (13) MR1, J ا. (14) MR1, J ا. (15) MR1, J add ا. (16) MR1 om. (17) Thus all, for ا. (18) MR1, J ا. (19) MR1, J ا

[11]همراه بود و [12]همان شب [13]همراه [14]او [15]به [16]خانه [17]پدرش رفت. [18]اما چون [19]به خانه رسید، [20]پدرش را [21]مرده [22]یافت. [23]او [24]بسیار [25]غمگین [26]شد و [27]از [28]خدا [29]خواست [30]که [31]او را [32]نیز [33]بمیراند. [34]او [35]نیز [36]بعد [37]از [38]مدتی [39]مرد.

---

(1) Thus MR1, J ; BK بعد از این : letter illegible. (2) All از ف. (3) MR1, J add ۱. (4) MR1, J om. (5) MR1, J add و. (6) Thus all, f. (7) MR1 اما ندارد (8) MR 1 همراه او. (9) J adds و. (10) Thus MR J ; BK مادرش ; (11) Thus MR1, J ; BK همراه پدرش . (12) MR1, J اما ندارد (13) The last 7 words are written on the margin in J. (14) MR1, و. (15) MR1 همه. (16) MR1, J اما ندارد . (17) Thus MR 1, J ; B همان . (18) MR1, J اما ندارد . (19) MR1, J add او . (20) MR1 J بعد

رهاشده‌اند، اما یک نمونهٔ بارز آن در مجلس سوم دیده می‌شود که در آن نمایندگان (36) از سراسر کشور گرد آمده‌اند. این مجلس در ۱۱ ماه نخست سال ۱۳۰۴ ه‍.ق تشکیل شد و تا ۱۳۰۶ ه‍.ق دوام آورد.

مجلس سوم

مجلس سوم در ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۰۴ ه‍.ق (34) با حضور ۱۱۲ نماینده گشایش یافت. ریاست مجلس را سید عبدالله بهبهانی بر عهده داشت و نایب‌رئیسی نخست را حاج امین‌الضرب و نایب‌رئیسی دوم را میرزا سلیمان خان میکده بر عهده گرفتند. (35) از نمایندگان تهران سه تن در مجلس حضور داشتند که عبارت بودند از سید عبدالله بهبهانی، سید محمد طباطبایی و حاج میرزا ابراهیم قزوینی. (36) از نمایندگان تبریز نیز سه تن حضور داشتند که عبارت بودند از حاج میرزا حسن مجتهد، حاج میرزا علی‌اصغر شبستری و حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی.